



توراه اور • پاراشاها برایشیت • مامار 1

השמים כסאי והארץ הדום רגלי אי זה בית וגו'

«آسمانها تخت من و زمین زیرپایی من است»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/1

1 השמים כסאי והארץ הדום רגלי אי זה בית וגו'. להבין איך שייך עליו ית' לומר כסאי והדום רגלי.

«آسمان‌ها تخت من‌اند و زمین زیرپایی من است؛ کدام خانه...» و غیره. [باید] فهمید که چگونه شایسته است دربارهٔ او، ית', گفته شود: «تخت من» و «زیرپایی من».

שהרי אין לו דמות הגוף ואינו בגדר מקום וכמ"ש הנה מקום אתי שהוא מקומו של עולם ואין העולם מקומו.

זیرا او صورتی جسمانی ندارد و در چارچوب مکان نمی‌گنجد؛ چنان‌که نوشته شده است: «اینک مکانی نزد من است»؛ یعنی او مکان جهان است و جهان مکان او نیست.

אך להבין הענין כי הנה התורה היא מן השמי' כמ"ש כי מן השמים דברתי וגו'

اما برای فهم این موضوع: توره از آسمان است، چنان‌که نوشته شده است: «زیرا از آسمان سخن گفتم» و غیره؛

דהיינו שהיא בחי' שמים כי שמים אש ומים. וכך גבי התורה כתיב מימינו אש דת למו.

یعنی توره از مرتبةٔ «آسمان» است، زیرا واژهٔ آسمان (שמים, shamayim) به معنای آتش و آب است. و دربارهٔ توره نیز نوشته شده است: «از دست راست او، قانونی آتشین برای آنان».

2 והנה כתיב ושמרתם את חוקתי ועשיתם אתם אתם כתיב שהאדם הוא העושה את התורה. וכך אנו

מבקשים בברכת אהבת עולם אהבתנו כו' לשמור ולעשות ולקיים

اکنون نوشته شده است: «احکام مرا نگاه دارید و آن‌ها را به‌جا آورید» (אתם, osam)؛ واژهٔ «شما» (אתם, atem) نوشته شده است؛ یعنی این انسان است که تورات را می‌سازد، که انجام‌دهندهٔ (העושה, ha'oseh) تورات است. ازاین‌رو، در برکت «با عشقی جاودان ما را دوست داشته‌ای» و الی آخر، چنین درخواست می‌کنیم: «تا نگاه داریم، به‌جا آوریم (לעשות, la'asos) و به انجام برسانیم (לקיים, lekayem)».

תחלה לעשותה ואח"כ לקיימה והיינו ע"י אב הרחמן רחם עלינו ותן בלבנו בינה שמבחינת רחמים עליונים נמשך בינה והתבוננות בלב להיות בה ועל ידה עשיית והתהוות התורה.

نخست آن را به وجود آوریم و سپس به انجام برسانیم. و این به‌واسطهٔ این دعاست: «ای پدرِ مهربان، بر ما رحم کن و فهم (בינה, Binah) را در دل‌های ما قرار ده»؛ زیرا از مرتبةٔ رحمت‌های برین، فهم و تأمل به دل جاری می‌شود تا تورات در آن و به‌واسطهٔ آن ساخته و پدیدار شود.

3 וכיצד תהי' [תהיה] התבוננות זו מבואר בק"ש [בקריאת שמע] שמע לשון הבנה והבנה זו היא בתיבת שמע

עצמה

ו اینکه این تأمل چگونه باید باشد، در قرائת שמاع، یعنی «בשנו» (שמע، Shema)، بیان شده است: שמاع تنها به معنای «شنیدن» نیست، بلکه بر فهمیدن نیز دلالت دارد، و این فهم در خود واژه שמاع نهفته است؛

כי שמע שם ע' פי' כי עי"ן רבתי היא בחינת לך ה' הגדולה והגבורה וכו'

זیرא שמاع از ترکیب نام עי"ן (שם ע', shem ayin) است. یعنی עי"ן بزرگ (עי"ן רבתי, ayin rabbasi) مرتبة «ای ה' (Havayah)» بزرگی و توانایی از آن توسست» و مانند آن است؛

ז' מדות עליונות שהם בחינת לך דהיינו שהם בטלים אליו ונכללים במקורן שעדיין אינן בבחינת

המשכה והתפשטות למטה להיות עולים בשם גדולה וגבורה וכו' ואזי נקרא בשם ע' רבתי

یعنی هفت صفت برین که مرتبة «از آن توسست» هستند: آن‌ها در برابر او در حالت خودنهی‌گری (ביטול, bittul) هستند و در سرچشمه خود مندرج‌اند؛ هنوز در وضعیتی نیستند که به پایین کشیده شوند و در پایین گسترش یابند و «بزرگی» و «توانایی» و مانند آن نامیده شوند. در آن هنگام، این مرتبه به نام عי"ן بزرگ خوانده می‌شود.

وהמשכה שנמשך ומתפשט למטה הוא רק בחינת שם לבד שהוא הארה בעלמא

و آن امتدادی که به پایین کشیده می‌شود و در پایین گسترش می‌یابد، تنها مرتبة «نام» است؛ پرتویی صرف،

וכמאמר ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד שאין זו אלא מבחינת שם ומדת מלכותו ית' כי מלכותך מלכות כל עולמים כתיב.

چنان‌که در این گفته آمده است: «مبارک باد نام جلال فرمانروایی او تا ابدالابد»؛ زیرا این تنها از مرتبة «نام» و صفت فرمانروایی (ملכות, Malchus) اوست، که متبارک است؛ چراکه نوشته شده است: «فرمانروایی تو فرمانروایی بر همه عوالم است.»

4 וזהו ענין בינה להבין דבר מתוך דבר פי' תוך דבר נקרא בחינת ממלא כל עלמין שהיא בחינת שם

דהיינו בחינת זיו והארה הנמשך תוך עלמין.

و این است معنای فهم (בינה, Binah): فهمیدن یک چیز از درون چیز دیگر. یعنی «درون» یک چیز، مرتبة نوری است که همه عوالم را پر می‌کند (مמלא כל עלמין, memalei kol almin)؛ و این مرتبه، مرتبة «نام» است، یعنی پرتویی و درخششی که درون عوالم امتداد می‌یابد.

וצריך להבין מזה שאינו אלא זיו כנ"ל שהוא ית' הוא הסובב כל עלמין ולית מחשבה כו' ולא מכל מדות אלין כלל

و باید از این دریافت که این نور فقط پرتویی است، چنانکه پیشتر گفته شد؛ و اینکه او، متبارک باد، همان است که همه عوالم را فرا می‌گیرد (سובב כל עלמין, sovev kol almin)، و «هیچ اندیشه‌ای [نمی‌تواند او را دریابد]»، و غیره؛ و «اصلاً از هیچ‌یک از این صفات نیست».

וע"י זה נמשך להיות ואהבת את הוי"ה אלהיך ממש לדבקה בו ית' בא"ס ב"ה ממש כמ"ש מי לי בשמים ועמך לא חפצתי וגו'

و از این راه، این کلام تحقق می‌یابد: «و ה' تو را دوست بدار»؛ یعنی، به‌راستی به او، متبارک باد، به بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof)، متبارک باد، بچسبد؛ چنانکه نوشته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم؟ و جز تو هیچ نمی‌خواهم»، و غیره؛

שיהי' [שיהיה] רק חפצו ורצונו שהוי"ה אור א"ס ב"ה עצמו יהיה אלהיך שורה בקרבך دهיינו שיהא גילוי אור א"ס ב"ה עצמו על נפשו

یعنی تنها خواسته و اراده‌اش این باشد که خود ه'، خود نور بی‌پایان (اور این سوف, Or Ein Sof)، متبارک باد، «ه' تو» باشد و درونت ساکن شود؛ یعنی خود نور بی‌پایان، متبارک باد، بر جان او آشکار گردد.

והיינו ע"י בכל לבבך שהוא כמ"ש אם ישים אליו לבو רוחו ونשמתו אליו יאסף כי روح אייתי روح ואמשיך روح שע"י روح האדם העולה למעלה שישים אליו

و این از راه «با تمام قلبت» است؛ چنانکه نوشته شده است: «اگر دلش را به سوی او معطوف کند، ه' روح و نفس خود را به سوی او گرد خواهد آورد»؛ زیرا «روحي، روحي می‌آورد و روحي را فرود می‌آورد»: از راه روح انسان که به بالا برمی‌خیزد، هنگامی که «دلش را به سوی او معطوف می‌کند»،

דהיינו שלבבו יכסף לדבקה בו ית' ולהמשיך בחי' גילוי אלהותו ית' על נפשו ותוך נפשו.

یعنی هنگامی که دلش مشتاق چسبیدن به او، متبارک باد، و امتداد دادن تجلی الوهیت او، متبارک باد، بر جان خود و به درون جان خود باشد،

אזי רוחו ونשמתו מבחינת סובב כל עלמין אליו יאסף להיות מתאסף השראתו אצלו בקרב איש ולב עמוק

آن‌گاه «روح و نفس او» از مرتبه سوبب כל עלמין «به سوی او گرد آورده می‌شود»، تا حضور سکونت‌یافته او در نزد او گرد آید، «در درون انسان و قلبی ژرف».

ומזה נמשך להיות והיו הדברים האלה אשר אנכי מי שאנכי מצוך כו' שע"י זה נמשך גילוי אלהותו והתהוות התורה בבחינת שמים אש ומים.

و از این، این کلام پدید می‌آید: «و این سخنانی که من (Anochi, אנכי) – آن‌که منم – به تو فرمان می‌دهم»، و غیره؛ زیرا از این راه، تجلی الوهیت او امتداد می‌یابد و تورا در مرتبه «آسمان»، آتش و آب پدید می‌آید.

כי הנה התורה קדמה אלפים שנה לעולם פי' עולם נקרא בחינת אש ומים והתורה גבהה מעלתה מאד בבחינת אלפים שנה שהם למעלה מבחינת עולם וכדי שתמשך לבחינת עולם

زیرا تورات دو هزار سال پیش از جهان وجود داشت. یعنی «جهان» نام مرتبه آتش و آب است، و جایگاه تورات بسیار بلندتر است: در مرتبه «دو هزار سال» که فراتر از مرتبه «جهان» است؛ و برای آن‌که به مرتبه «جهان» فرود آورده شود،

דהיינו להיות מימינו אש כו' שהוא רמ"ח מצות עשה שמימין ושס"ה מצות לא תעשה משמאל כו'

یعنی «از دست راست او، آتش...»؛ این همان ۲۴۸ فرمان ایجابی است که از جانب راست‌اند، و ۳۶۵ نهی که از جانب چپ‌اند، و غیره—

הנה המשכה זו היא על ידי אתערותא דלתתא בואהבת בכל לבבך רוח אייתי רוח ואמשיך רוח

این فرودآوردن از راه برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) در «و با تمام قلبت دوست بدار...» صورت می‌گیرد: «روحی، روحی را می‌آورد و روحی را فرامی‌کشد.»

וע"י זה ודברת במ ודברת לשון הנהגה והמשכה דהיינו להיות המשכת אור א"ס ב"ה בתורה.

و از این راه، «و درباره آن‌ها سخن بگویی» (ودברת, vedibarta): واژه «سخن‌گفتن» (דיבור, dibbur) تعبیر رهبری و فرودآوردن است؛ یعنی نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که او متبارک است، به تورات فرود آورده شود.

5 וזהו ענין וידבר ה' אל משה שהמשכת הוי"ה להיות התורה צריך להיות המשכה תחלה לבחינת משה שהוא מבחינת כי מן המים משתיהו.

و این معنای «و ה' با موسی (مשה) سخن گفت» است: برای آن‌که تورات تحقق یابد، امتداد نام چهارحرفی (ה', Havayah) باید نخست تا مرتبه موسی فرود آید؛ او از مرتبه «زیرا من او را از آب بیرون کشیدم» است.

וזוהו השמים כסאי שהשמים היא התורה הרי היא כסא ע"ד משל שנעשה לשבת וישיבה זו היא השפלה לגבי עמידה שכשהאדם עומד הנה הוא בעל קומה וראשו ומוחו גבוהים מעל הארץ וע"י ישיבה נשפל קומתו.

و این معنای «آسمان‌ها تخت من‌اند» است: آسمان‌ها تورات‌اند و تورات تختی است – بر سبیل تمثيل – که برای نشستن ساخته می‌شود. نشستن، در قیاس با ایستادن، پایین‌تر آمدن است؛ زیرا وقتی انسان می‌ایستد، قامتی کامل دارد و سر و مغزش بالاتر از زمین است، اما با نشستن قامتش پایین می‌آید.

כך התורה נעשה כסא לאור א"ס ב"ה לבחינת ראשו שהיא בחינת רצונו וחכמתו ובינתו

پس تورات برای نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، متبارک باد، تختی می‌شود برای مرتبة «سر» او؛ یعنی مرتبة اراده (רצון, ratzon) او، حکمت חכמה او و فهم (בינה, Binah) او؛

דאנת חכים ולא בחכמה ידיעא ומבין ולא בבינה ידיעא ובתורה יורדים ומשתלשלים חכמתו ובינתו בדברים גשמיים כתפילין וציצית וצדקה ותרומות ומעשרות וקרבות כו':

زیرا «تو حکیمی، اما نه با حکمتی دانستی؛ و [تو] می‌فهمی، اما نه با فهمی دانستی»؛ و در تورات، حکمت و فهم او نازل می‌شوند و گام‌به‌گام فرود می‌آیند و در امور مادی پوشیده می‌شوند؛ مانند جعبه‌های چرمی آیات (תפילין, tefillin)، رشته‌های آیینی گوشه جامه (ציצית, tzitzis)، صدقه، سهم‌های جدا شده برای کاهنان (תרומות, terumos)، عشورها و قربانی‌ها و مانند اینها.

6 **והארץ הדום رגלי. הדום בלשון הפסוק הוא כמו שרפרף בלשון הגמרא שהוא ג"כ כסא קטן.**

«و زمین زیرپایی من است.» واژه «زیرپایی» (הדום, hadom) در زبان آیه، مانند «چهارپایه» (שרפרף, shrafrap) در زبان گمارا (گمرا, Gemara) است؛ آن نیز نشیمنی کوچک است.

وهוא מה שמעמידין תחת רגלי היושב להגביה הרגל מעל הארץ וע"ז אמרו בגמ' [בגמרא] על פסוק כרסון רמיו אחד לכסא ואחד לשרפרף. כסא הוא הגדול שיושבין עליו ושרפרף הוא הקטן שמעמידין תחת הרגלים.

این همان چیزی است که زیر پای کسی که نشسته است می‌گذارند تا پا را از زمین بالاتر بیاورد. و درباره این موضوع، در گمارا، درباره آیه «تخت‌ها برپا شدند» گفته‌اند: یکی برای تخت و یکی برای زیرپایی. تخت آن بزرگتری است که بر آن می‌نشینند، و زیرپایی آن کوچکتری است که زیر پاها می‌گذارند.

7 והענין כי הנה כנסת ישראל נקרא רגל כמ"ש בנים אתם לה' אלהיכם וברא כרעא דאבוה

و توضیح مطلب این است: جماعت اسرائیل «پا» نامیده می‌شود؛ چنان‌که نوشته شده است: «شما فرزندانِ ה' اَلקִיכֶם هستید» و نیز: «پسر، پای پدر خویش است».

והנה כמו ע"ד משל שנמצא מעלה יתירה ברגל מה שאין בראש שהרגלים הם המהלכים והם נושאים את הראש ומוליכין אותו למחוז חפצו ונמצא הראש צריך להרגל

اکنون، به‌عنوان نمونه، پا از جهتی برتری‌ای دارد که سر ندارد: پاها هستند که راه می‌روند؛ سر را حمل می‌کنند و آن را به مقصدِ دلخواهش می‌رسانند. پس سر به پا نیازمند است.

وگם גידי הראש וחיותו שהדם הוא הנפש הם ברגלים וכשמקיזין דם מהרגל מתרפא הראש ומתקיים
همچنین رگ‌های سر و نیروی حیاتِ آن – زیرا «خون، جان است» – در پاها هستند؛ و چون از پا خون می‌گیرند، سر درمان می‌یابد و نیرو می‌گیرد.

וכן כמה רפואות יש שעושין ברגלים ומתרפא הראש ובבחינה זו נקרא הרגל ראש והראש רגל שהוא למטה מהרגל במדרגה זו.

همچنین چندین درمان هست که بر پاها انجام می‌دهند و سر درمان می‌شود. از این جهت، پا «سر» و سر «پا» نامیده می‌شود، زیرا در این مرتبه سر از پا فروتر است.

8 וכך הוא למעלה על ידי התכללות המשכות המדרגות נעוץ תחילתן בסופן וסופן בתחילתן אור ישר ואור חוזר

و چنین است در عوالم بالا: به‌واسطهٔ درهم‌گنجیدن امتدادهای مراتب در یکدیگر، «آغازشان در پایانشان و پایانشان در آغازشان فرورفته است»؛ یعنی نور مستقیم و نور بازگشتی.

אור ישר נקרא מלמעלה למטה כל מה שלמעלה הוא העליון ואור חוזר ממטה למעלה כל מה שלמטה הוא העליון וזהו נעוץ תחילתן בסופן שסופן הוא תחילתן שבחינת הרגל נקרא ראש.

نور مستقیم آن است که از بالا به پایین می‌رود، [که در آن] هرچه بالاتر باشد برتر است؛ و نور بازگشتی از پایین به بالا می‌رود، [که در آن] هرچه پایین‌تر باشد برتر است. و این همان است که «آغازشان در پایانشان فرورفته است»: یعنی پایانشان آغازشان است، زیرا مرتبهٔ پا «سر» نامیده می‌شود.

וישראל נקראו ראשית וכתוב וירא ראשית לו וע"י אתערותא דלתתא נעשה למעלה תיקון אורות עליונים וזהו שמצינו במשה שבחטא העגל נטלו ממנו אלף אורות (ובשבת חוזרין ונותנין אליו במתנה וזהו ישמח משה במתנת חלקו)

ו אסראל «נחשתי» (ראשית, reishis) נאמדה שדהאנד, ו נושטה שדה אסט: «ו נחשתי רא ברע אוד דיד». ו בהואסטה בראנגיחטי אר פאיינ (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata), דר בלא אסלאח דר נורהי ברין פדיד מי איד. ו אין همان چیزی است که درباره موسی (משה) می‌یابیم: هنگام گناه گوساله زرین, هزار نور از او گرفته شد (و در شبات (שבת, Shabbos) دوباره به صورت هدیه به او داده می‌شوند؛ و این همان است که می‌گوییم: «موسی در هدیه سهم خود شادمان است»):

ועל זה רמזו רז"ל [רבوتינו זכרונם לברכה] במ"ש ע"פ לך רד מגדולתך כלום נתתי לך גדולה אלא בשביל ישראל

و حکیمان ما, ז"ל, در سخنی که درباره آیه «برو, فرود آی» گفتند, به همین نکته اشاره کردند: «از بزرگی‌ات فرود آی؛ آیا بزرگی‌ات را جز به‌خاطر اسرائیل به تو داده بودم؟»

והיינו לפי שהיו ישראל בבחינת הרגל שלו וכמ"ש שש מאות אלף רגלי העם אשר אנכי בקרבו והם היו לו בחינת מקיף ובחינת ראש אף שהם היו לו בבחינת רגל ודאי.

یعنی اسرائیل در مرتبه «پای» او بودند, چنان‌که نوشته شده است: «ششصد هزار تن پیاده (רגלי, raglei) مردمی که من در میانشان هستم»؛ و آنان برای او مرتبه نور فراگیر و مرتبه سر بودند, با آنکه بی‌تردید برای او در مرتبه پا بودند.

וכך הוא בכל ישראל ע"י שמתקן מעשיו שהם בכח המעשה בעשי [בעשיה] גשמיות בבחי' רגלים נעשה מוחו ולבו זכים אלף פעמים ככה.

و درباره هر یهودی نیز چنین است: با اصلاح اعمالش – که در نیروی عمل, در کردار جسمانی و در مرتبه پاها قرار دارند – مغز و دلش هزار بار پاک‌تر می‌شوند.

9 והנה להיות הדום לבחינת רגל שהוא בחינת כנסת ישראל דהיינו להגביה [להגביהה] ולהעלותה ממטה למעלה הוא ע"י בחי' הארץ שהם מצות מעשיות וכללותן היא הצדקה

اکنون, برای آن‌که برای مرتبه «پا» زیرپایی‌ای باشد – که همان مرتبه جماعت اسرائیل است – یعنی آن را از پایین به بالا برافرازند و تعالی بخشند, این امر از طریق مرتبه «زمین» صورت می‌گیرد؛ یعنی از طریق مبتزوه‌های عملی (מצוות, mitzvos), و نمود کلی و مجموعی آن‌ها کمک خیرخواهانه است.

ועל זה נאמר צדקה תרומם גוי תרומם ממטה למעלה והגבהה והעלאה זו היא בבחינת גוי שהם אותיות ג' ו' י' דהיינו העלאת המדות שנחלקין דרך כלל לג' בחינות חסד דין רחמים

و درباره این امر گفته شده است: «بخشش ملتی را سربلند می‌سازد» (goy, גוי); یعنی آن را از پایین به بالا برمی‌کشد. این برافراشتن و تعالی بخشیدن در مرتبه goy است؛ واژه‌ای که از حروف ג' (gimmel), ו' (vav) و י' (yud) تشکیل شده است؛ یعنی تعالی صفات، که به‌طور کلی به سه مرتبه تقسیم می‌شوند: مهر، داوری و رحمت.

(כי נה"י [נצח הוד יסוד] אינו אלא התפשטות חג"ת [חסד גבורה תפארת] וענפיהן) והתעלותן היא לבחינת יו"ד שהיא בחינת החכמה ע"י הוא"ו שהוא הממשיך ומחבר המחשבה כו'

(زیرا نצח [נצח, Netzach؛ پیروزی], הוד [הוד, Hod؛ شکوه] و יסוד [יסוד, Yesod؛ بنیاد] تنها امتدادِ חסד [חסד, Chesed؛ مهر], گבורה [گבורה, Gevurah؛ قید و سخت‌گیری] و תפארת [תפארת, Tiferes؛ زیبایی و هماهنگی] و شاخه‌های آن‌ها هستند؛ و تعالی آن‌ها به مرتبه یود، یعنی مرتبه حکمت [חכמה, Chochmah], است؛ این تعالی از طریق حرف ו' (vav) صورت می‌گیرد، که فکر را فرو می‌کشد و پیوند می‌دهد، و غیره.

ככה ממש נעשה למטה בנפש האדם העלאת המדות בשכלו ובינתו כי כשהמדות נפרדות מהשכל הם נחשבות לדבר בפני עצמו.

دقیقاً همین امر در پایین، در نفیس انسان، روی می‌دهد: صفات در عقل و فهم او تعالی می‌یابند. زیرا هنگامی که صفات از عقل جدا باشند، چیزی مستقل به‌شمار می‌آیند.

10 ולכן יש לך אדם שמתעורר לבו בשעת התפלה וכיוצא בה שאז היא שעת גדלות המוחין ואח"כ חולפת ועוברת האהבה ופונה לדרכו מהיפך להיפך באין מבין כי הם שני הפכים

از این رو، گاه می‌بینید که دل کسی هنگام نماز و مانند آن برانگیخته می‌شود؛ زیرا آن هنگام، زمان گسترش قوای عقلانی (מוחין, mochin)، یعنی גדלות المוחין (gadlus hamochin)، است. سپس عشق می‌گذرد و از میان می‌رود و او را خود را در پیش می‌گیرد و از یک سوی افراط به سوی مخالفش می‌رود، بی‌آنکه دریابد که این دو با یکدیگر متضادند.

وهיינו מפני שהמדות נפרדים מהשכל משא"כ בהתכללותן כו' והרי אז הוא עילוי המדות ביתר שאת שנעשו בחינת מוחין

و این از آن روست که صفات از عقل جدا هستند؛ اما هنگامی که در یکدیگر درآمیزند و مانند آن، صفات به‌مراتب والاتر می‌شوند، زیرا به مرتبه مוחין رسیده‌اند.

וזהו בכל נפשך דהיינו בכל כחות הנפש אפילו בבחינת רגל שגם בחינת הרגל תרום ותגביה:

و این همان «با تمام جانت» است؛ یعنی با همه قوای جان، حتی مرتبه پا، تا مرتبه پا نیز سرافراز و بالا برده شود.

11 והנה זהו דרך כלל שנק' שמים וארץ תורה ומצות ודרך פרט בתורה עצמה שמים זו תורה שבכתב

שמים שם מים דאורייתא מחכמה נפקת וארץ נקרא תורה שבע"פ [שבעל פה]

اکنون، این به طور کلی چنین است: تورات و מצוות (mitzvos) [فرمان‌های دینی] «آسمان و زمین» نامیده می‌شوند. و به طور خاص، در خود تورات: «آسمان» همان توراتِ مکتوب است؛ **سמים** (shamayim) را می‌توان به **שם מים** (sham mayim، «آنجا آب است») بخش کرد، زیرا تورات از حکمت (חכמה، Chochmah) سرچشمه می‌گیرد؛ و «زمین» نامی برای تورات شفاهی است،

כי ארץ מלשון רצון כמאמר רז"ל [רבوتינו זכرونם לברכה] **למה נקרא שמה ארץ שרצתה כו' וארץ אותיות**
א' רץ כו'

زیرا **ארץ** (eretz، «زمین») از واژه **רצון** (ratzon، «اراده») می‌آید، چنان‌که حکیمان ما می‌گویند: «چرا نامش را eretz گذاشتند؟ چون خواست (רצתה، ratz'sah)»، و الی آخر؛ و حروفِ eretz را همچنین می‌توان الف (א، alef)، **רץ** (ratz، «می‌دود») خواند، و الی آخر.

והענין כי תורה שבע"פ [שבעל פה] **היא השגת תכלית הרצון לידע איך ומה כגון סוכה שהיא גבוה כו'**
שאין זה מבואר בתורה שבכתב

و مقصود این است: تورات شفاهی دریافتِ مقصودِ نهایی اراده است؛ دانستنِ اینکه چه چیزی و چگونه باید باشد، مانند [قانون] سوکاه (סוכה، sukkah) [کلبه آیینی عید سوکوت] که ارتفاعش ...؛ امری که در توراتِ مکتوب توضیح داده نشده است.

ותושב"כ [ותורה שבכתב] **היא רק בחי' אותיות להיות כדמותן בצלמן שהן שמותיו של הקב"ה**

و توراتِ مکتوب فقط مرتبه‌ای از حروف است، تا [آن‌ها] به همان صورت و هیئتشان خوانده شوند؛ حروفی که نام‌های قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא، Kudsha Brich Hu) هستند.

ולכן נקרא קורא בתורה כמו שקורא בשם והיינו מלמעלה למטה אבל תורה שבע"פ [שבעל פה] **עיקרה**
ממטה למעלה ע"י השגת הרצון בנפש תכלל הנפש במקורה למעלה.

ازاین‌رو گفته می‌شود که شخص تورات را «می‌خواند» (קורא، kore)، همان‌گونه که نامی را بر زبان می‌آورد (קורא)؛ و این جریان از بالا به پایین است. اما اصلِ توراتِ شفاهی از پایین به بالاست: از راه دریافتِ اراده در جان، جان در سرچشمه بالایی خود دربرگرفته می‌شود.

**ושלשה נקראו ארץ כנסת ישראל ותורה שבע"פ [שבעל פה] ומצות וכולן נרמזין במקרא אחד. ארץ ארץ
ארץ שמעי דבר ה':**

و سه چیز «زمین» نامیده می‌شوند: جماعتِ اسرائیل، توراتِ شفاهی و מצות (mitzvos)؛ و به هر سه آن‌ها در یک آیه اشاره شده است: «زمین، زمین، زمین، سخن نام چهارحرفی (ה', Havayah) را بشنو.»

12 **אך אי זה בית כו' כי הכסא והשרפרף אין דרכן להעמידן בחוץ אלא בתוך הבית ובחי' בית היינו בכל
מאדך שהוא בבחי' מקיף**

اما «چه خانه‌ای»، و مانند آن: زیرا تخت و زیرپایی را معمولاً بیرون نمی‌گذارند، بلکه درون خانه قرار می‌دهند. مرتبه «خانه» همان «با تمام توان» است که در مرتبه نور فراگیر قرار دارد؛

כמו ע"ד משל בית שהוא מקיף את האדם בגגו ובקירותיו ובית זה הוא בית תפלה

همان‌گونه که به‌عنوان مثال، خانه با سقف و دیوارهایش انسان را دربرمی‌گیرد. و این خانه، خانه دعاست؛

**שע"י התפלה ח"י פעמים ברוך אתה כו' היא המשכת מקיפין מבחי' סוכ"ע (وهיא בחי' רוחו ونשמתו
אליו יאסף כנ"ל) שהם נמשכין ע"י כריעות והשתחויות באבות ובהודאה תחלה וסוף שהם בחינת
ביטול.**

زیرا از طریق دعا – هجده بار گفتن «متبارک هستی تو»، و مانند آن – نورهای فراگیر از مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (سوب کل علמין, sovev kol almin) به پایین کشیده می‌شوند (و این همان مرتبه «روح و نفیس خویش را نزد او گرد خواهد آورد» است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد). این نورها از طریق خم‌شدن‌ها و سجده‌ها در [برکت] پدران و در [برکت] شکرگزاری، در آغاز و پایان، فرود کشیده می‌شوند؛ اینها مرتبه خودنهی‌گری (بیטול, bittul) هستند.

**והענין כי אי אפשר להיות גילוי אור א"ס ב"ה دلית מחשבה תפיסא ביה כלל ולא מכל מדות וכו'
בבחינת פנימיות הלב רק מעט מזעיר הארה בעלמא**

و مطلب چنین است: آشکارشدن نور بی‌پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) – متبارک باد او – ناممکن است – او که «هیچ اندیشه‌ای به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند او را دریابد» و «از هیچ‌یک از صفات نیست»، و مانند آن – در بُعد درونی (پنیمיות, pnimiyus) قلب، جز به اندازه‌ای بسیار اندک، تنها پرتوی ناچیز؛

ואפילו גילוי במוח והשגה לית מחשבה כו' רק בבחי' מקיף וסובב לבד וע"ז נאמר ואל זה אביט שרומז על בחינת תפלה.

و حتی آشکارشدن در ذهن و ادراک - «هیچ اندیشه‌ای [نمی‌تواند دریابد]»، و مانند آن - فقط در مرتبه نور فراگیر و احاطه‌کننده امکان‌پذیر است. و درباره این گفته شده است: «و به این شخص خواهم نگریست»؛ این عبارت به مرتبه دعا اشاره دارد.

13 ופי' הפסוק ואת כל אלה ידי עשתה בחינת עשיה היינו מעשה המצות. ויהיו כל אלה נאם ה' היא בחינת

תורה שבע"פ [שבעל פה] שהיא נאם ודבר ה' בחינת דבור

و معنای آیه «و همه اینها را دست من ساخته است» این است که این، مرتبه عمل است؛ یعنی انجام فرمان‌ها (מצות, mitzvos). «و همه اینها پدید آمدند»، که نام چهارحرفی (ה', Havayah) می‌فرماید، مرتبه توراہ شفاهی (تורה שבעל פה, Torah sheb'al peh) است؛ یعنی گفتار و کلام ה', که مرتبه گفتار است؛

משא"כ אל זה אביט הוא בחינת תפלה אביט הוא בחינת הבטה היא הסתכלות בבחי' עיניך יונים שהיא

בחי' המחשבה לבד והיא היא בחי' מקיף וסובב

حال آنکه «و به این یکی خواهم نگریست» مرتبه نماز است. «خواهم نگریست» مرتبه نظر کردن است؛ یعنی نگریستن به مرتبه «چشمات کبوتران‌اند»، که تنها مرتبه اندیشه است؛ و این خود، مرتبه فراگیر و احاطه‌کننده است،

כמו עד"מ מחשב' שמקפת מחשבתו את הדבר שחושב עליו וכן הראיה והסתכלות כו' משא"כ דבור

ומעשה הם פנימיים כו'

همان‌گونه که به‌عنوان نمونه، اندیشه انسان چیزی را که درباره‌اش می‌اندیشد دربرمی‌گیرد؛ همچنین بینایی و نگریستن و جز آن. اما گفتار و عمل درونی‌اند و جز آن.

והבטה זו היא אל עני ونכה רוח בחינת ביטול دلית ליה מגרמיה כלום אפילו תורה ומצות לפי שהמשכה

זו אי אפשר להשיג ע"י התורה ומצות שהם פנימי' רק ע"י בטול בתפלה וכריעות והשתחוואות

و این نگاه «به سوی تهیدست و شکسته‌روح» است؛ مرتبه خودنهی‌گری (بیטول, bittul)، که هیچ‌چیز از آن خود ندارد، حتی توراہ و فرمان‌ها را. زیرا این فرودآوردن را نمی‌توان از راه توراہ و فرمان‌ها، که درونی‌اند، به دست آورد؛ بلکه تنها از راه خودنهی‌گری در نماز و خم‌شدن‌ها و سجده‌ها می‌توان به آن رسید —

כמשל המלך שכורעים ומשתחווים לו מפני שאי אפשר להתקרב אליו מגודל מעלתו אזי ממילא נמשך אליו בחינה זו. וזהו ברוך אתה כלומר ברוך מעצמך ומאליך.

همچون نمونه پادشاهی که در برابرش خم می‌شوند و به خاک می‌افتند، زیرا به سبب عظمت مقامش نمی‌توان به او نزدیک شد؛ آنگاه این مرتبه خودبه‌خود به سوی او [که خم می‌شود] فرود می‌آید. و این است معنای «مبارک هستی»: یعنی از خودت و به خودی خود مبارک هستی.

14 והנה בבחינה זו של המשכת המקיף כתיב לא הביט און ביעקב שבבחינת פנימיות כתיב בוחן לבות וכליות

اکنون، درباره این مرتبه، یعنی فرودآوردن نور فراگیر، نوشته شده است: «او در یعقوب (יעקب) گناهی ندیده است»؛ زیرا درباره مرتبه درونی نوشته شده است: «دل‌ها و کلیه‌ها را می‌آزماید»،

דהיינו להבחין התשוקה המורגשת אם הוא מקרב איש ולב עמוק באמת לאמתו משא"כ בבחינת מקיף לא הביט און וגו' רק ה' אלהיו עמו שנמשך מאליו תמיד:

یعنی اشتیاق احساس‌شده را بیازماید که آیا حقیقتاً از «درون انسان و دلی ژرف» است؛ اما در مرتبه نور فراگیر، «گناهی ندیده است» و غیره، بلکه تنها «ה'، אלוקיו با اوست»؛ و این نور خودبه‌خود و همواره فرود می‌آید.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/1](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/1) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک